



# باختين

## در قابی دیگر

دبورا جی هیفز

مترجم: سقاره توتاج

آرای متفکران معاصر  
در باره هنر

مفکران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# باختين در قابی دیگر

دبورا جی هینز

مترجم: ستاره نوتاج

دبیر مجموعه: مجید پروانه پور



۱۳۹۹

سرشناسه: هینز، دبورا ج. Haynes, Deborah J

عنوان و نام پدیدآور: باختین در قابی دیگر / دبورا جی. هینز، مترجم ستاره نوتاج.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۰۲-ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۹۰-۹

یادداشت: عنوان اصلی: Bakhtin reframed, 2013.

Bakhtin, Mikhail Mikhaïlovich- Aesthetics. — زیبایی‌شناسی.

موضوع: باختین، میخائیل میخائیلوویچ، ۱۸۹۵-۱۹۷۵م. — زیبایی‌شناسی.

Aestheticians—Russia. موضوع: زیبایی‌شناسان — روسیه.

موضوع: هنر — فلسفه — تاریخ — قرن ۲۰م. Art-Philosophy History 20th century

شناسه افزوده: نوتاج، ستاره، مترجم.

شناسه افزوده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری "متن".

رده بندی کنگره: PG ۲۹۴۷

رده بندی دیویی: ۸۰/۱۹۵۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۳۲۸۹۸



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

## باختین در قابی دیگر

دبورا جی هینز

مترجم: ستاره نوتاج

دبیر مجموعه: مجید پروانه پور

صفحه‌آرا و طراح جلد: میثم رادمهر

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: چاپخانه دیجیتال فرهنگستان هنر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۹۰-۹

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - بن بست بوذرجمهر -

شماره ۲۴ - مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۶۶۴۹۸۶۹۲-۴ -

دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲ - پست الکترونیک: publishing@honar.ac.ir

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر - نرسیده به چهارراه ملاقاتی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان

مرکزی فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

فروشگاه اینترنتی: www.matnpublishers.ir

نشانی تلگرام: @artboks

# فهرست

|                                     |     |
|-------------------------------------|-----|
| سپاسگزاری .....                     | ۹   |
| مقدمه .....                         | ۱۱  |
| فصل ۱ زیبایی‌شناسی باختینی .....    | ۲۱  |
| فصل ۲ خلاقیت و فرایند خلاقانه ..... | ۴۹  |
| فصل ۳ هنرمند .....                  | ۷۵  |
| فصل ۴ اثر هنری .....                | ۱۰۳ |
| فصل ۵ بررسی تفسیری: کلود مونه ..... | ۱۳۱ |
| فصل ۶ بافتار، پذیرش و مخاطب .....   | ۱۵۷ |
| نتیجه‌گیری .....                    | ۱۸۵ |
| یادداشت‌ها .....                    | ۱۸۷ |
| شرح‌نامه .....                      | ۱۹۱ |
| نمایه .....                         | ۱۹۹ |



## فهرست تصاویر

- تصویر ۱. سنگ حکاکی شده (آتال یا آکوانشی)، نیجریه، قرون هجدهم-نوزدهم،  
حق مؤلف عکس متعلق به موزه هنرهای زیبا، بوستون، ۲۰۱۲. .... ۲۳
- تصویر ۲. آمبر داون کاب، نقشه شناختی (۲۰۱۱). .... ۴۱
- تصویر ۳. ام. سی. ریچاردز، فرشته رؤیایی (دهه ۱۹۶۰). .... ۵۰
- تصویر ۴. مارینا أبراموویچ، هنرمند حاضر است (۲۰۱۰)، حق مؤلف عکس متعلق به  
مارینا أبراموویچ. .... ۷۷
- تصویر ۵. سیندی شرم، بی نام شماره ۴۶۶ (۲۰۰۸)، حق مؤلف متعلق به هنرمند و  
مترو پیکچرز، نیویورک، ۲۰۱۱. .... ۸۹
- تصویر ۶. ایان همیلتون فینلی، «نظم فعلی» از لیتل اسپارتا، ۱۹۶۵ تا امروز (حق  
مؤلف ۲۰۱۲). .... ۱۰۴
- تصویر ۷. کلود مونه، کاپ مارتن، حوالی منتون (۱۸۸۴)، عکس ۲۰۱۲. .... ۱۳۳
- تصویر ۸. کلود مونه، کانال بزرگ (۱۹۰۸)، حق مؤلف عکس متعلق به موزه هنرهای  
زیبا، بوستون، ۲۰۱۲. .... ۱۵۱
- تصویر ۹. مارگوت لاجوی، تغییرها (۲۰۰۱-۲۰۰۲). .... ۱۶۰





## سپاسگزاری

ایده‌های میخائیل باختین بیش از بیست و پنج سال است که در آگاهی من حضور دارند. درک من از هر بُعد خلاقیت هنری و تحلیل آثار هنری مدیون تفکراوست. بنابراین باید پیش از هر چیز از این فیلسوف بی‌همتای روس قدردانی کنم. دکتر اولگ گرابار (۱۹۲۹-۲۰۱۱) در دانشگاه هاروارد من را با آثار باختین آشنا کرد، او پژوهشگر برجسته و اصیل فرهنگ‌های آسیایی و معلمی متعهد بود. او مرا تشویق کرد تا موضوعیت ایده‌های باختین را در تاریخ هنر بررسی کنم. مورخ هنر جان هاوس (۱۹۴۵-۲۰۱۲) زمانی که در حال اتمام کتاب بودم، درگذشت؛ به او مدیونم زیرا درک من را از هنر کلود مونه دگرگون کرد. در میان پژوهشگران باختین که از خواندن مقالات و کتاب‌های آنان بهره‌مند شدم به‌ویژه از دکتر کاریل امرسون در دانشگاه پرینستون سپاس‌گزارم که تألیفات ادامه‌دار او بر شکل‌گیری حوزه مطالعات باختینی تأثیرگذار بوده است و همچنین در عمق بخشیدن به درک من از میراث و آثار باختین تأثیر شایانی داشته است. کتاب باختین در قابی دیگر را به او تقدیم می‌کنم.

از همکارانم در دانشگاه کلورادو بولدر به‌ویژه آلبرت الهادف، کرک امبروز، مارک آمریکا، جیمز کوردوا، جی پی پارک و جانت رابینسون ممنونم که از ایده‌های مطرح شده در این کتاب استقبال کردند. رابرت و

دزیره یاربر از بنیاد موريس گریوز بازخوردی سودمند درباره فصل ۴ به من ارائه کردند. مارگوت لاجوی از سال‌های نخست ۱۹۹۰ مکالمه‌ای طولانی را با من درباره هنر و فناوری ادامه داده است. کارن اووین و سندی براون در ویرایش نهایی کتاب کمک‌هایی ارزشمند و مهم به من ارائه کردند. اخذ مجوز برای بازنمایی تصاویر کتاب مستلزم برقراری ارتباط با افراد مختلف بود و من به‌ویژه از آمبر داون کاب (دنور)، مارتا فودور (موزه هنرهای زیبا، بوستون)، لیز کورتولیک (آرت ریسورس، نیویورک)، مارگوت لاجوی (نیویورک)، مایکل پلانکت (مترو پیکچرز، نیویورک) و پیا سیمیک (بنیاد اسپارتای کوچک، دانسیر، اسکاتلند) سپاس‌گزارم. در خصوص چاپ کتاب باختین در قابی دیگر صمیمانه از هیأت تحریریه و تولید انتشارات آی.بی. توریس سپاس‌گزاری می‌کنم. شور و شوق بی‌همتای لیزا تامپسون تمام مراحل تولید کتاب را پیش برد.

کتاب حاضر مبتنی بر تألیفات و سخنرانی‌های پیشین من درباره باختین است، به‌ویژه باختین و هنرهای بصری (کمبریج، ۱۹۹۵). نسخه جدیدتری از فصل ۵ درباره نقاشی‌های کلود مونه سال ۱۹۹۸ با عنوان «نخست پاسخ‌ها، سپس پرسش‌ها»<sup>۱</sup> در سمیوتیک انکونایری<sup>۲</sup> منتشر شده است. تأملات من در باب خلاقیت برگرفته از مقاله‌ای در دست چاپ در دستنامه دین و هنرهای آکسفورد<sup>۳</sup> (Oxford and New York, 2013) است.

1. Answers First, Questions Later

2. *Semiotic Inquiry*

3. *Oxford Handbook of Religion and the Arts*

## مقدمه

تصویری روشن از میخائیل میخائیلوویچ باختین در ذهن دارم، نیمی از آن در واقعیت ریشه دارد و نیمی دیگر داستانی ساختگی است. در یکی از تصاویر، او در تخت خود نشسته است، میز کوچکی روی پایش قرار دارد. النا آلکساندروا همسرش چای می‌آورد و آن را کنار سیگارها و کاغذهای به هم ریخته‌اش روی میز می‌گذارد. دوستانش عصرها پیش او جمع می‌شوند و ساعت‌ها بحث می‌کنند. با توجه به تیزهوشی فکری او، این مکالمات شادی‌های کوچکی هستند. او می‌نویسد، و درباره آنچه هست، آنچه می‌تواند باشد، و آنچه باید باشد، تأمل می‌کند. تصور می‌کنم شور و شوقش در جوانی برای نوشتن یک فلسفه اخلاق قانع‌کننده ناکام ماند یا دست‌کم جای خود را به دغدغه‌های ادبی دیگر و آشفتگی‌های سیاسی بعد از انقلاب روسیه داد. اما از قضای روزگار می‌بینم که خود من، فیلسوف هنر و هنرمند، در مکالمه‌ای گاه جدلی با میخائیل میخائیلوویچ جوان شرکت دارم. برای پرسش‌های خودم درباره آنچه می‌تواند باشد و آنچه باید باشد پاسخ درستی نیافته‌ام، اما آنها طی این مکالمه درونی تصدیق و تصحیح شده‌اند. سپس مرد مسنی را تصور می‌کنم، که هنوز ذهن فعالی دارد و هنوز در مفاهیم و ایده‌های جدید به کندوکاو می‌پردازد، هنوز سیگار می‌کشد و ساعت‌های طولانی همراه

اعضای حلقه باختینی سپری می‌کند. این حقیقت که باختین در طول زندگی بلندمدت خود توانست با موفقیت فلسفه‌ای معمولی<sup>۱</sup> بنویسد - فلسفه‌ای که اخلاق عملی و دغدغه‌های اخلاقی وجود روزمره را در اولویت قرار می‌دهد - برای من یکی از نشانه‌های اهمیت امروزی آن در دهه‌های آغازین قرن بیست و یکم است.

باختین سال ۱۸۹۵ در اورپول،<sup>۲</sup> روسیه متولد شد و در ویلنیوس<sup>۳</sup> شهری در لیتوانی که به دلیل میراث فکری غنی یهودی‌اش به «اورشلیم شمال» معروف بود و در اودسا<sup>۴</sup> بزرگ شد. میان سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ لغت‌شناسی و متون کلاسیک را در دانشگاه پتروگراد آموخت و سپس در شهرهای کوچک روسیه همچون نیول، ویتبسک، قوستانای، سارانسک و ساولولوه و همچنین در لنینگراد و موسکوزیست. سال‌هایی که باختین در نیول و ویتبسک بود مقارن با دورانی بود که مارک شاگال و کازیمیر مالویچ آنجا مشغول به کار بودند، اما به نظر می‌رسد باختین آنها را نمی‌شناخت. باختین بیشتر عمر خود را در حلقه‌های ادبی و فلسفی فعال بود، اما از سال‌های میانی ۱۹۲۰ به عفونت استخوانی دچار و به همین دلیل تحرکش بسیار محدود شد. در دوره‌های سرکوب شدید استالینیستی باختین و همسرش از مسکو تبعید شدند. او در مدرسه متوسطه و دوره کوتاهی در کالج معلمان در موردویا تدریس کرد و سپس به عنوان کتابدار در مناطق مرکزی سیبری مشغول به کار شد. باختین در ۸۰ سالگی و در سال ۱۹۷۵ مرد و بعد از مرگش بود که ایده‌هایش در سراسر جهان شناخته شد. این اطلاعات مختصر درباره زندگی او بافتاری برای

1. prosaic

2. Oryol

3. Vilnius

4. Odessa

5. Savelovo

رخدادهای تاریخی و فرهنگی اوایل قرن بیستم، که باختین در آن زمان نوشتن را آغاز کرد، به دست نمی‌دهد. در نتیجه من در ادامه این کتاب بیشتر درباره زندگی شخصی وی و بافتاری که در آن کار می‌کرد خواهم گفت.

از سال‌های ۱۹۶۰ که تألیفات باختین مرتب منتشر می‌شد، نام او با مفاهیمی همچون کارنوال،<sup>۱</sup> که در رابله و جهان‌ش<sup>۲</sup> (۱۹۸۴b) طرح شد و مکالمه<sup>۳</sup> و مکالمه‌گرایی<sup>۴</sup> که در تخیل مکالمه‌ای<sup>۵</sup> طرح شد، گره خورده است. اما تمرکز پژوهشگران بسیاری از حوزه‌ها بر امر کارنوالی یا امر مکالمه‌ای موجب شده است که آنها در به کارگیری آثار باختین به انحراف کشیده شوند. پژوهشگران برخی حوزه‌ها به نحوی پرت‌تر از ایده‌های باختین بهره گرفته‌اند، این حوزه‌ها عبارت‌اند از مطالعات رسانه و ارتباطات، آهنگسازی، مطالعات فرهنگی، نظریه آموزشی و آموزش، اخلاقیات، فیلم و تلویزیون، حقوق و مطالعات انتقادی حقوق، زبان‌شناسی و فلسفه زبان، ادبیات، پزشکی و مطالعات در باب پیر شدن انسان، مطالعات چندفرهنگی و بینا فرهنگی، فلسفه، نظریه سیاسی، روانشناسی و تحلیل روانشناختی، دین، جامعه‌شناسی، تئاتر و پرفورمنس، و مطالعات شهری.

جالب اینجاست که هنرمندان، مورخان هنر، منتقدان و نظریه‌پردازان هنر برای به کار گرفتن ایده‌های باختین در تحلیل فرهنگ بصری و تولید هنر بصری تعلق کرده‌اند. بنابراین هدف کتاب حاضر معرفی ساده آثار باختین و ایجاد پلی میان تأملات گاه غامض فیلسوف روس قرن بیستمی

1. carnival

2. *Rabelais and His World*

3. dialogue

4. dialogism

5. *The Dialogical Imagination*

و هنرمندان و پژوهشگران قرن بیست و یکم است. از یک سو، زبان یکتای باختین - از زمان نخستین جستارهای منتشرشده‌اش در سال‌های ۱۹۲۰ تا واپسین یادداشت‌هایش در اوایل دهه ۱۹۷۰ - هم به مقولات فلسفی و هم عملی در هنر سهمی بزرگ می‌بخشد. ایده‌هایی همچون پاسخگویی،<sup>۱</sup> بیرونه‌گی،<sup>۲</sup> فرجام‌ناپذیری،<sup>۳</sup> مکالمه، تک‌گوگرایی،<sup>۴</sup> چندصدایی،<sup>۵</sup> دگر مفهومی،<sup>۶</sup> کرونوتوپ<sup>۷</sup> و امر کارنوالی، تنها چند مورد از مفاهیم قدرتمند باختینی برای بازتعریف زیبایی‌شناسی فلسفی و نظریه‌های خلاقیت هستند. از سوی دیگر، این ایده‌ها و ایده‌های دیگر شیوه‌هایی عملی برای تحلیل ژانر، ظهور ساختارهای روایی جدید، و فرم‌های جدید در هنر معاصر و همچنین شیوه‌هایی جدید برای تفسیر کار استودیویی در اختیار پژوهشگران و منتقدان هنر و هنرمندان معاصر قرار می‌دهد. آثار باختین افزون بر این به منتقدان و مورخان در ایجاد طبقه‌بندی‌هایی برای تفسیر آثار هنر بصری و زبانی در نسبت با یکدیگر، یاری می‌رساند. تألیفات او پیش از ظهور ایده‌های بسیاری در جریان‌های فرهنگی و ادبی، همچون نوتاریخ‌گرایی، پساساختارگرایی و پسامدرنیسم مطرح شدند و از آنها خبر می‌دادند.

ایده‌های باختین خواه در تفسیر فرهنگ بصری به صورت کلی، تصاویر رسانه‌ای، فیلم و اینترنت، هنر فاخر یا عامه‌پسند، بینش‌هایی کاملاً نو ارائه می‌کند. در کتاب حاضر شرحی مختصر بر درک او از زیبایی‌شناسی و فرایند خلاقانه مطرح می‌شود. افزون بر این، کتاب به مسائلی مرتبط با

1. answerability

2. outsideness

3. unfinalisability

4. monologism

5. polyphony

6. heteroglossia

7. chronotope

اثر هنری، هنرمند در حکم خالق، بافتار، پذیرش و مخاطب اثر هنری در عالم بزرگ‌تر پرداخته می‌شود. مفاهیمی خاص میان فصول کتاب در هم تنیده‌اند که هم برای خلق و هم تفسیر هنری بصری سودمندند. بنابراین زمانی که رابطه ایده‌هایی خاص را با موضوعات اصلی تشکیل‌دهنده کتاب بررسی می‌کنم، بحث من ماهیتی بازگشتی دارد. هر فصل با یک تصویر سرنمون<sup>۱</sup> آغاز می‌شود، عکسی از یک اثری هنری که چهارچوبی ارجاعی برای محتوای فصل ارائه می‌کند. این تصاویر سرنمون شامل آثاری هنری از فرهنگ‌های مختلف متعلق به قرن هجدهم تا بیستم هستند که توسط هنرمندانی ناشناخته و یا سرشناس خلق شده‌اند. در برخی فصول با بررسی هنر موجود بر درک ایده‌های باختین تمرکز می‌شود، و برخی دیگر از فصول به چالش‌های هنرمندانی که در استودیو مشغول به کارند پرداخته می‌شود.

در فصل ۱ به صورت کلی به زیبایی‌شناسی باختین پرداخته می‌شود و این فصل فنی‌ترین بخش باختین در قابی دیگر است. فصل با آتال<sup>۲</sup> سنگی حکاکی شده در قرن هجدهم یا نوزدهم از منطقه کراس ریور نیجریه مدرن آغاز می‌شود و به این پرسش می‌پردازد که ما به مطالعه «کدام زیبایی‌شناسی» می‌پردازیم. نظریه زیبایی‌شناختی می‌تواند توصیف کند که به هنگام نگریستن چه رخ می‌دهد. این نظریه نگریستن صرفاً پدیدارشناختی نیست بلکه چنان‌که از تألیفات باختین هویدا است باید افزون بر این، مواجهه اصیل یک آگاهی با آگاهی دیگر را توصیف کند. هدف تجربه زیبایی‌شناختی و هنر خلاقانه باید دیدن زندگی دیگری از حیث اهمیت و معنای زیستی آن باشد. اما نظریه زیبایی‌شناختی



همچنین می‌تواند به سوی چیزی حرکت کند که باختین «نظریه‌گرایی» می‌خواند. یکی از مهم‌ترین سهم‌بخشی‌های زیبایی‌شناسی باختین به هنر معاصر تأیید این موضوع است که هنر باید در رابطه‌ای درونی با زندگی وجود داشته باشد، زیرا هنر برای هنر تصنعی بیش نیست.

در فصل دوم به این پرسش پرداخته می‌شود که خلاقیت در عمل چیست. فصل با فرشته‌رؤیایی<sup>۱</sup> اثر ام‌سی ریچاردز<sup>۲</sup> آغاز می‌شود، مجسمه‌ای کوچک که به دقت پرسشی را تبیین می‌کند که باختین بدان پاسخی نداده اما ما باید به آن توجه کنیم. در این بخش به چرخه‌های خلاقیت در زندگی باختین، تعارف و تناقض‌ها در درک ما از خلاقیت، و ریشه‌های فلسفی دیدگاه‌های باختین در سنت‌های فلسفی یونانی و اروپایی می‌پردازم. سه ایده در تألیفات باختین در سال‌های ۱۹۲۰ – پاسخگویی، بیرونه‌گی و میزان فرجام‌پذیری یا فرجام‌ناپذیری کنش خلاقانه – تأملی در باب پیوندهای ضروری میان خلاقیت و مذهب و مسائل اخلاقی هستند. ایده‌های باختین درک و دریافتی نو از توانایی بالقوه صدای خلاقانه و بینش خلاقانه هنرمند برای شکل دادن به جهان ارائه می‌کنند.

در فصل سوم به هنرمند و به‌ویژه به رابطه خود و دیگری که باختین آن را رابطه‌ای منحصربه‌فرد به شمار می‌آورد، پرداخته می‌شود. فصل با تصویری از پرفورمنس مارینا آبراموویچ<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۰ با عنوان هنرمند حاضر است<sup>۴</sup> آغاز می‌شود. هر بحثی در باب سودمندی ایده‌های باختین باید با شرحی مختصر از درک وی از پدیدارشناسی خود و روابط خود-

1. *Dream Angel*

2. M.C. Richards

3. Marina Abramović

4. *The Artist Is Present*

دیگری، که باختین با کمک مفاهیم پاسخگویی و امر مکالمه‌ای آن را تبیین کرد، آغاز شود. افزون بر این به این موضوع می‌پردازم که چگونه مفهوم باختینی بیرونه‌گی را می‌توان به لحاظ «تمایز»<sup>۱</sup> به نحوی مفید بسط داد، مفهومی که به خوبی در نظریه فمینیستی منتقل شده است. باختین برخلاف برخی از هم‌عصرانش همچون موریس مرلوپونتی و هانری برگسون، در پی ایجاد نظامی اخلاقی یا فلسفی نبود. اکثر جستارهای او بر این پیش‌فرض بنا شده‌اند که بشر محوری است که همه کنش‌ها در جهان واقعی، از جمله هنر، حول آن ساماندهی شده‌اند. در تألیفات باختین، همچون آثار مارتین بوبر و امانوئل لویناس، «من» و «دیگری» مقولات بنیادی ارزشمندی هستند که تمام کنش‌ها و خلاقیت را ممکن می‌سازند.

فصل ۴ به خود اثر هنری می‌پردازد. «اثر هنری» متشکل از چیست؟ تلاش یک عمرایان همیلتون فینلی<sup>۲</sup> در اسپارتای کوچک<sup>۳</sup>، محلی نزدیک ادینبورو، اسکاتلند، تصویر سرنمون این فصل است. سپس این اثر را با محلی کمتر شناخته شده در کالیفرنیا، یعنی دریاچه<sup>۴</sup> اثر موریس گریوز<sup>۵</sup> مقایسه می‌کنم و به این پرسش می‌پردازم که ایده‌های باختین چه چیزی به مجموعه تفسیرهای هنرمندان و پژوهشگرانی که در حوزه‌های ژانرهای نو و مطالعات فرهنگ بصری کار می‌کنند، می‌افزاید. بدین منظور، ارتباط سه مفهوم اصلی باختینی را بررسی می‌کنم: کروئوتوپ، امور معمولی و ژانر، که شامل کاربرست نظریه‌های او دربارهٔ رمان در هنرهای بصری نیز می‌شود. چند تأمل الهام‌بخش دربارهٔ زمان، ظهور و شدن،

1. difference

2. Ian Hamilton Finlay

3. *Little Sparta*4. *The Lake*

5. Morris Graves

و جادویی بودن زبان به تفسیر دقیق‌تر من از آثار هنری یاری می‌رساند. در این بخش مشخصاً به این موضوع می‌پردازم که چگونه اثر هنری به صورت متقابل با ساختارهای تاریخی و فرایندهای فرهنگی پیوند خورده است: اثر هنری هرگز به صورت مستقل وجود ندارد، بلکه توسط سنت‌ها و ایدئولوژی‌ها در تمام سطوح مقید شده است. این نقطه آغاز، مبنای دیدگاه باختین نیز هست.

در فصل ۵ تفسیر باختینی جامعی از هنر کلود مونه در دوره خاصی از زندگی این هنرمند ارائه می‌شود، یعنی از سال ۱۸۸۴ تا ۱۹۰۸، زمانی که مونه برای هدف نقاشی در مکان‌هایی اطراف مدیترانه سه سفر انجام داد. در این فصل اثر ۱۸۸۴ مونه کاپ مارتن حوالی منتون<sup>۱</sup> و اثر ۱۹۰۸ کانال بزرگ<sup>۲</sup> نقاط اصلی ارجاع برای تفسیری که از آثار او ارائه می‌کنم هستند. در این بحث می‌گویم نشان دهم چگونه بسیاری از مفاهیم اصلی باختینی - پاسخگویی، مکالمه، بیرونگی، کرونوتوپ و فرجام‌ناپذیری - به‌ویژه در بافتار تاریخ هنری بسیار مفید هستند.

در فصل ۶ ماهیت مخاطب و پذیرش اثر هنری در بافتار تاریخی گسترده‌تری بررسی می‌شود. فصل ۶ با تصویری از تغییرها<sup>۳</sup> آغاز می‌شود. اثری آنالین از مارگوت لاجوی<sup>۴</sup>، که یکی از پیشگامان هنر دیجیتال بود. در ادامه بحثی مفصل‌تر درباره بافتار تاریخی باختین به همراه تأملات بیشتر درباره پذیرش ایده‌های او مطرح می‌شود. سپس با کمک اثر لاجوی و همچنین نمونه‌های دیگر هنر دیجیتال، به مبحث ضرورت «زیبایی‌شناسی اخلاقی» در بافتار معاصر می‌پردازم. این فصل با یکی از پرسش‌های اساسی که هنرمند

1. Cap Martin, near Menton

2. Grand Canal

3. Turns

4. Margot Lovejoy

باید در کارورزی استودیویی از خود بپرسد، پایان می‌یابد: «مخاطب من کیست؟» پاسخ به این پرسش پیچیده تابع بسیاری عوامل مرتبط با ارزش‌ها، لحظه تاریخی، زمان و مکان و حتی تقدیر است. باختین مستقیماً به چنین پرسش‌هایی نپرداخت، اما جستارهای او و کتاب‌هایش به ما می‌آموزد که درباره روابط متقابل اخلاقیات و زیبایی‌شناسی بیندیشیم.

نتیجه‌گیری مختصر کتاب مهر تأییدی است بر این مدعای من که ایده‌های باختین مقولاتی بارآور برای اثر خلاقانه و تلاش‌های پژوهشی در اختیار هنرمندان و پژوهشگران معاصر قرار می‌دهد. باختین، مرتباً واژه‌هایی می‌سازد که ترجمه آنها دشوار است. در بخش شرح‌نامه تعریفات کاربردی برای اصطلاحاتی که در این کتاب مطرح شده‌اند، ارائه می‌شود. در بخش کتاب‌شناسی منابع بیشتری معرفی می‌شوند که برای خوانندگان علاقه‌مند مفید هستند.

در طول چندین دهه، پژوهشگران باختین را فیلسوفی اخلاقی توصیف کرده‌اند، تحلیل‌گری ادبی و متفکری التقاطی و معمولی. کتاب باختین در قابی دیگر آثار او را به مثابه یک نظریه زیبایی‌شناختی مستمر بررسی می‌کند، نظریه‌ای که دلالت بر آن دارد که چگونه هنرمندان معاصر دست به آفرینش می‌زنند و چگونه مورخان هنر، هنر معاصر و هنر تاریخی را تفسیر می‌کنند. ایده‌ها در قلمروهای بسیاری سکنی دارند: بر صفحات کتاب‌ها، در تفکر و تخیل، و در حکم محرکی و/یا اصلاحی بر کنش در زندگی. پیش‌تر کتاب حاضر را پلی میان تأملات فلسفی فیلسوف روس قرن بیستم و خوانندگان قرن بیست و یکم توصیف کردم و ساختن پل بخشی از مکالمه بزرگ‌تر فرهنگ‌هاست، موضوعی که باختین تا پایان عمر به آن علاقه‌مند بود.

صحنه نخست سه دقیقه‌ای فیلم ۲۰۱۱ وودی آلن، نیمه‌شب در پاریس<sup>۱</sup> با نمایی صبحگاهی از برج ایفل و پل الکساندر سوم در پس‌زمینه آغاز می‌شود. به چشم من بیننده، پل‌ها استعاره‌ای قدرتمند در فیلم آلن هستند، تصاویر بسیاری از پل نف، پل الکساندر سوم و پل‌های دیگر بر روی رود سن وجود دارد. در پایان‌بندی فیلم، قهرمان اصلی گیل پندر روی پل زیبا و باشکوه الکساندر سوم قدم می‌زند. این بار برج ایفل و پل نف در پس‌زمینه سوسو می‌زنند. کمی پیش از این لحظه، او به آدریانا معشوقه دهه ۱۹۲۰ خود گفته است که نمی‌خواهد در دوره او یا در عصر طلایی بماند. گیل اذعان می‌کند که زمان حال رضایت‌بخش نیست، درست همانند خود زندگی که نمی‌تواند رضایت‌بخش باشد. حال دیگر نوشتن برای او به معنای رها شدن از توهّمات است، به‌ویژه این توهّم که شاید در گذشته انسانی شادتر می‌بود. گیل، گابریل را، دلال عتیقه‌ای که پیش‌تر با او آشنا شده بود، ملاقات می‌کند. گیل به او می‌گوید که می‌خواهد به پاریس نقل مکان کند تا به نویسندگی مشغول شود. فیلم زمانی تمام می‌شود که این دو علاقه‌مشتک خود را به راه‌رفتن در باران بیان می‌کنند و بر روی پل رهسپار می‌شوند.

صد البته که زمان حال جایی آشفته است، و زندگی حقیقی به ندرت همچون پایان‌بندی فیلم‌ها مرتب و منظم پیش می‌رود. اما زمان حال جایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم و چنانچه بخواهیم از غنای این زندگی ارزشمند بشری بهره‌مند شویم چاره‌ای نیز جز زیستن در آن نداریم. امیدوارم باختین در قابی دیگر پلی از گذشته به حال باشد. و به ایجاد بینش‌های نو برای آثار پژوهشی و خلاقانه آتی کمک کند.